

بررسی الگوی کالبدی توسعه شهرهای شمال کشور

(مورد مطالعه: شهر کیاکلا)^۱

سپیده قدمی^۲

دکتر صدیقه لطفی^{۳*}

دکتر عامر نیک پور^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۸

چکیده

الگوی رشد شهر یکی از موضوعات حیاتی قرن بیست و یکم در ارتباط با پایداری شهر است. الگوی رشد شهر به عنوان الگوی فضایی فعالیت‌های انسان در برهه خاصی از زمان تعریف می‌شود و به دودسته اصلی گسترش افقی یا پراکنده و الگوی فشرده تقسیم می‌گردد و شناخت الگوی توسعه کالبدی شهر به منظور هدایت آن در راستای پایداری شهری امری اساسی است. بر این اساس، هدف این پژوهش بررسی و شناخت مراحل و الگوی توسعه فیزیکی شهر کیاکلا در دهه‌های گذشته و تحلیل عوامل موثر بر آنها می‌باشد. این شهر در سال‌های اخیر به عنوان مرکز شهرستان تازه تاسیس سیمرغ رشد فیزیکی قابل ملاحظه‌ای را تجربه نموده است. روش تحقیق مبتنی بر رویکردهای توصیفی تحلیلی است که با استفاده از مدل‌های گسترش کالبدی مانند تحلیل فضایی تراکم جمعیت، روش‌های خودهمبستگی فضایی موران و لکه‌های داغ در محیط نرم افزار GIS جهات و فرم توسعه فیزیکی را مشخص خواهد نمود. نتایج حاصل از بکارگیری مدل‌ها برای سالهای ۱۳۸۵-۱۳۹۵ در شهر کیاکلا نشان می‌دهد که طی این دوره، گسترش فیزیکی شهر کیاکلا، به صورت پراکنده و غیرمتراکم بوده و زمینه را برای رشد اسپرال و بدون برنامه شهر آماده نموده است. نتایج تحلیل فضایی نشان می‌دهد که تراکم در هر سه شاخص جمعیت، مسکونی و ساختمانی، الگوی توزیع خوشه‌ای و خودهمبستگی فضایی دارد. بیشترین لکه‌های داغ در نواحی غربی و قسمت‌های مرکزی شهر و بیشترین لکه‌های سرد در نواحی شرقی و جنوب شرقی شهر دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: گسترش کالبدی، اسپرال، تحلیل فضایی، کیاکلا

۱- مقدمه

^۱ مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه مازندران

^۳ استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه مازندران* (نویسنده مسئول) s.lotfi@umz.ac.ir

^۴ دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه مازندران

در نیم قرن اخیر، شهرها به واسطه افزایش زاد و ولد، رشد جمعیت و مهاجرت های گسترده، با سرعت زیادی گسترش یافته اند، به طوری که افزایش درجه شهرنشینی و جمعیت شهری از مهم-ترین جنبه های تغییر جهانی است (Xu et al, 2007: 597) به عنوان یک واقعیت غیرقابل انکار، مقدمه رشد و توسعه گسترده شهری را فراهم (Qadeer, 2004: 1) و تغییرات وسیعی از مقیاس محلی تا جهانی در کاربری زمین ایجاد نموده است (Xi & Cho, 2007: 96). امروزه ۵۵ درصد از جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی می کنند، که تا سال ۲۰۵۰ به ۶۸ درصد افزایش می یابد و نزدیک به ۹۰ درصد از این افزایش در آسیا و آفریقا اتفاق می افتد (UN, 2018). این رشد بی رویه و افزایش مهاجرت به شهرها، منجر به توسعه غیرقابل کنترل نواحی شهری، خلق سکونتگاه های جدید، کاهش سطح رفاه انسانی، ساخت وساز بدون برنامه، گسترش مهار نشدنی و بروز تغییرات فراوان در ساختار فضایی شهرها، گرایش به سمت حومه نشینی، گستردگی شهری، همچنین بروز مشکلات فراوان برای مدیران مختلف شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه شده است. به گونه ای که امروزه مسائل فوق به همراه رکود شهری در نقطه ثقل نگرانی های برنامه ریزان شهری قرار گرفته و زمینه مطالعه جدی جغرافی دانان، برنامه ریزان شهری و همچنین سیاست مداران را فراهم نموده است (Al-Ahmadi et al, 2009: 80). از همین رو سیاست گذاری رشد شهری، مسئولیتی بسیار مهم و خطیر است، چرا که از یک سو باید به برطرف کردن نابسامانی ها بپردازد و از سوی دیگر با هدایت عاقلانه روند ساخت و سازها از پیدایش ناهنجاری ها به ویژه در ابعاد کالبدی-فضایی جلوگیری نماید. بنابراین با توجه به اینکه در سراسر جهان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، رشد شهری هم از نظر جمعیت و هم از نظر گسترش فضایی منجر به بروز تغییرات گسترده شهری شده است (Rafiee et al, 2009: 19). در چند سال اخیر مدل های مختلفی برای سنجش و اندازه گیری شکل و فرم فضایی شهرها ارائه شده است که می توان به مدل های گری، موران، جینی، آنتروپی شانون، هلدن و روش هایی مانند شیب تراکم، تراکم جمعیتی شهر در دوره های مختلف، تراکم ساختمانی و اخیرا شاخص ها یا متریک های فضایی اشاره کرد. نکته ای که باید در مورد استفاده از این مدل ها و ابزارها مورد توجه قرار بگیرد این است که بهترین شکل استفاده از این مدل ها این است که در دو یا چند دوره زمانی نتایج مدل ها را باهم مقایسه کرد تا به صورت فضایی-زمانی تشخیص داد که فرم کالبدی یک شهر به سمت الگوی رشد پراکنده و پراکنش افقی شهری در حال حرکت است یا به سمت الگوی فشرده و متراکم سازی شهر. اخیرا روش های کمی به عنوان روشی برای طبقه بندی سیستماتیک و تحلیل مباحث شهری ضروری شده است (Wassmar, 2000; Dempsey et al, 2012; Burton, 2002). با این حال کاربرد این روش ها تنها به مطالعات موردی یا زمینه های ملی به ویژه در کشورهای توسعه یافته محدود شده است. یکی از جدیدترین روش ها و مدل های ارائه شده در این زمینه، شاخص ها یا متریک های فضایی هستند (Huang, 2007; Huang et al, 2020; Tsai, 2005). هرچند که از این روش، تاکنون برای بررسی فرم های کالبدی- فیزیکی شهرهای کشورهای توسعه یافته استفاده شده است و قابلیت و

توانایی بالای خود را در تشخیص و اندازه گیری اشکال شهری به اثبات رسانده است؛ اما در ادبیات برنامه‌ریزی ما کمتر از این موضوع سخن به میان آمده است و برای سنجش شکل فضایی شهر از همان روش‌های قدیمی استفاده می‌شود.

شهر کیاکلا در دهه ۱۳۹۰ به عنوان مرکز سیاسی و اداری شهرستان سیمرغ انتخاب شده است از این رو مراحل رشد و گسترش خود را سریع‌تر از آهنگ طبیعی طی نموده، علاوه بر رشد سریع جمعیت، مساحت و وسعت این شهر از رشد سریعی در دهه ۱۳۸۵-۱۳۹۵ برخوردار بوده است. این امر لزوم برنامه‌ریزی و هدایت آکاهانه، سازماندهی اساسی و طراحی مناسب شهری را به منظور جلوگیری از ساخت وساز در زمین‌های کشاورزی و توسعه ناموزون و پراکنده شهری افزایش داده است. بنابراین مطالعه‌ی دقیق و شناخت همه جانبه الگوهای گسترش کالبدی-فضایی شهر، عوامل موثر بر آنها و در نهایت ارائه الگویی بهینه و پایدار، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش درصدد تعیین الگوی توسعه فیزیکی شهر کیاکلا و محله‌های شهر می‌باشد که رهیافت‌های آن می‌تواند راهکارهای مناسبی را در اختیار مسئولان شهری برای برنامه‌ریزی‌های آتی و گسترش کالبدی-فضایی مطلوب و پایدار شهر قرار دهد.

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

توسعه شهری

توسعه شهری فرآیندی است متأثر از عوامل اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی، سیاسی و جمعیتی که در طول تاریخ مراحل گوناگونی را طی کرده است. توسعه شهری عبارتست از گسترش هماهنگ و متعادل سطح اختصاص داده شده به ساختمان‌های مسکونی در یک شهر یا سطح مورد نیاز در سطحی استاندارد و قابل قبول. یکی از زمینه‌های مهم و گسترده که پایداری در آن وارد شده است، مربوط به زیستگاه‌های اصلیانسان یعنی شهرها بود و سعی در ارائه راه‌حلهایی در مناطق مختلف شهری از جمله در حوزه‌های فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی، مدیریتی و غیره در برای دستیابی به اهداف پایداری. در چنین شرایطی، یک الگوی جدید به عنوان یک الگوی توسعه پایدار شهری شکل گرفت که امروز به عنوان یکی از مهمترین و محبوب‌ترین مفاهیم به روز شده شهرسازی در جهان مورد بحث قرار می‌گیرد (Mofidi Shemirani & Moztarzadeh, 2013: 1).

شهرها یا کلان شهرها، برخی از پویاترین سیستم‌های تغییر زمین در سراسر جهان هستند. با شهرنشینی پیش بینی شده طی دهه‌های آتی، سطح اراضی قابل توجهی را اشغال نموده و میزبان اکثریت جمعیت بشر هستند در عین حال، تغییر زمین شهری محدود به شهر اصلی نیست، بلکه شامل بسیاری از فضاهای جدید شهری-روستایی است که به لحاظ عملکردی با شهر گره خورده اند (Herspetger et al, 2018: 32).

توسعه فیزیکی (کالبدی)

رشد و گسترش فیزیکی شهرها پدیده‌ای است که هرچند از دوران یکجانشینی و آغاز تولید مازاد کشاورزی و به تبع آن افزایش جمعیت آغاز گشته است، ولی صورت جدی و مساله‌زای آن را از بعد از انقلاب صنعتی و آغاز غلبه دانش بشری بر سلطه محیط طبیعی دانسته‌اند. چون عرصه شهرها قبل از این دوران در محدوده‌ای محدود شکل می‌یافت (Larsen & Vitail, 2009:95).

این روند بعد از مدتها موجبات فرسایش بیش از حد نواحی مرکزی شهری از لحاظ کالبدی هم به جهت قدمت و هم به جهت تراکم و هم فرسایش نواحی طبیعی کناری که نمونه‌های آن در شهرهای لندن، وین و پاریس مشاهده می‌شود؛ را ایجاد می‌کرد (Hasek, 2004: 14).

توسعه کالبدی-فضایی

این اصطلاح هم در برگرنده رشد فیزیکی و کالبدی شهر و هم تغییر و رشد کاربری‌ها و تغییرات سرانه‌های شهری و نیز دربرگیرنده مصرف فضای غیرشهری اطراف شهر برای توسعه شهری است. پس چنانچه در تعریف توسعه شهری از نگرش جغرافیای شهری مطرح شد، فضا و فعالیت، اصلی‌ترین عناصری هستند که در درک مفهوم رشد شهری باید مورد توجه قرار گیرند. رشد فضایی هر شهر به صورت گسترش افقی و رشد فیزیکی با رشد عمودی می‌باشد. هرکدام از این روش کالبد متفاوت و جداگانه‌ای از دیگری ایجاد می‌نماید. رشد فیزیکی به شکل افزایش محدوده شهر یا به اصطلاح گسترش افقی ظاهر می‌گردد و رشد عمودی به صورت درون‌ریزی جمعیت شهری و الگوی رشد فشرده نمایان می‌شود. با توجه اینکه این الگوهای متفاوت به نسبت نوع گسترشی که در شهر به وجود می‌آورند، پیامدهای متفاوتی را به دنبال دارند (رهنما و عباس‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۱). در عین حال تشخیص فرم و الگوی رشد شهر نیازمند مطالعه، تحقیق و تجزیه و تحلیل می‌باشد. در اینجا دو گروه از الگوهای رشد شهری معرفی می‌کردند:

انواع توسعه کالبدی-فضایی

فرم پراکنده (توسعه افقی)

این الگو از دهه ۱۹۶۰ درگفتمان شهری به طور جدی مطرح و در کشورهایی که در آنها وفور زمین‌های ارزان، ساخت بی‌رویه جاده‌ها و تولید بیش از اندازه خودرو وجود دارد، پدیده‌ای رایج به شمار می‌رود. این پدیده تا مدتها در کشورهای پیشرفته دیده می‌شد اما امروزه به پدیده‌ای جهانی تبدیل شده که بیشتر شهرهای کشورهای جهان و به ویژه کشورهای درحال توسعه با آن روبه‌رو هستند (سیف‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۷). این فرم معلول کاربرد وسیع خودرو است (Ewing, 1997:107). پژوهشگران چنین الگوی رشدی را توسعه‌ای کم تراکم و ناپیوسته می‌دانند که به زرف پهنه‌های خارج از محدوده و نواحی حومه‌ی شهری گسترش می‌یابد. در این فرم، سرمایه‌گذاری‌های

زیادی در بخش زیرساخت‌ها های حمل و نقل، موجب می‌شود مراکز کار و زندگی از هم فاصله بگیرند (براندفری^۱، ۱۳۸۳: ۴۱). بنابراین الگویی نظامند و کنترل شده نیست و از ویژگی آن تراکم پایین، وابستگی شدید به خودرو، جداسازی کاربری‌های اراضی، نبود تنوع زیستی، کاهش جذابیت چشم اندازها، گسترش بیش از حد شهر به سمت بیرون و مالکیت غیرمتمرکز زمین است. نتیجه چنین رشدی افزایش سهم فضای باز و گسستگی شهری، کاهش تراکم جمعیت و جدایی‌گزینی اجتماعی است (Hess et al, 2001). چنین فرم شهری در مناطقی رخ می‌دهند که سرعت رشد و توسعه‌ی زمین‌های شهری از رشد جمعیت آن منطقه بالاتر است و همین امر علت تراکم جمعیت بسیار پایین است. الگوی پراکنش در کشورهای جهان سوم در اراضی آماده نشده‌ی شهرها روی می‌دهد و نتایج ناگواری از جمله، استفاده ناکارآمد از زمین و تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور به زیرساخت‌های زیربنایی دارد (Zhang, 2000: 123).

فرم فشرده (رشد عمودی)

محبوبیت توسعه‌ی پایدار به ترویج ایده شهر فشرده کمک زیادی کرده است. از دهه ۱۹۹۰ پژوهش‌ها بیشتر به پشتیبانی از شهر فشرده فرصت‌های تازه‌ای را برای کاهش مصرف سوخت ارائه می‌کند؛ چراکه کار و فراغت در منار هم هستند. شهرهای فشرده از این جهت مورد توجه هستند که هم زمین‌های روستایی آن سوی لبه شهر حفاظت می‌شود و هم زمین‌های داخل شهر می‌تواند مورد استفاده مجدد قرار بگیرد. ضمن اینکه با تمرکز بالای جمعیت، کیفیت زندگی می‌تواند به خوبی تقویت شود. فرم فشرده می‌تواند در مقیاس‌های مختلفی بکار رود، از توسعه درونی شهر تا ایجاد سکونتگاه‌های کاملاً جدید نظیر دهکده‌های شهری در انگلستان. فرم شهر فشرده ساختاری انعطاف پذیر دارد که در آن بخش‌ها به یکدیگر مرتبط هستند. این فرم دارای یک فضای عمومی کانال مشخص است که در آن محدوده عمومی شهر علاوه بر اتصال بخش‌های مهم شهر به یکدیگر، منازل افراد با محل کار، مدارس و مراکز خدمات اجتماعی و تفریحی مرتبط می‌کند. مهم‌ترین دلایل مورد توجه قرار گرفتن فرم فشرده، ایجاد حمل و نقل پایدار، کاهش گستردگی و استفاده پایدار از زمین، همبستگی اجتماعی و توسعه فرهنگی، صرفه‌جویی اقتصادی در ارائه زیرساخت‌ها و حمایت از خدمات کسب و کار محلی است (سیف‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۰).

برخی تحقیقات انجام شده در زمینه موضوع مورد نظر به شرح ذیل می‌باشد:

براندفول و نوسما (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان "چالش پراکندگی مراکز شهری در غنا" نتیجه می‌گیرند که پراکندگی شهری در مرکز غنا از ویژگی‌های مشخصه آن می‌باشد و در صورت عدم وجود خدمات و زیرساخت‌های اساسی مانند آب و فاضلاب رخ می‌دهد (Brandful & Nsomah, 2017).

¹ Brandfery

لیتمن (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی این ادعا در شهر ویکتوریا می‌پردازد که اغلب خانوارها، مساکن با الگوی پراکنده را ترجیح می‌دهند و لذا توسط سیاستهای رشد هوشمند صدمه می‌بیند. اما این تحلیل نشان می‌دهد که رشد هوشمند از راه‌های متعددی گرایش به منتفع ساختن مصرف‌کنندگان دارد. تحلیل بازار نشان می‌دهد که اغلب خانوارها می‌خواهند که دسترس خود را بهبود ببخشند و کاربری اراضی مختلف و گزینه‌های متنوع حمل‌ونقل را خواستارند و تقاضا برای مسکن پراکنده در حال کاهش است (Litman, 2014).

اوینگ و حمیدی (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان سنجش پراکندگی، الگوی توسعه ۲۲۱ ناحیه مادرشهری و ۹۹۴ شهرستان را در ایالات متحده از سال ۲۰۱۰ تحلیل می‌کنند. هدف این پژوهش بررسی این مساله است که کدام جوامع فشرده‌تر می‌شوند و کدام پراکنده‌تر. آنها از چهار عامل اولیه برای ارزیابی توسعه در این نواحی استفاده کرده‌اند. این پژوهش لیستی از فشرده‌ترین و پراکنده‌ترین نواحی مادرشهری را در برمی‌گیرد (Ewing & Hamidi, 2014).

نور و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی فضایی در اندازه‌گیری پراکندگی شهر در شهر کوانتان کشور مالزی با استفاده از، سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که شهر کوانتان دارای پراکندگی شهری نمی‌باشد (Noor et al, 2013).

رحمانی و رحمانی (۱۳۹۵) در پژوهشی در چارچوب الگوی گسترش کالبدی-فضایی به تعیین الگوی گسترش فیزیکی شهر سریش آباد پرداخت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد شهر سریش آباد طی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۹۵ به صورت پراکنده رشد نموده و دچار رشد بی‌قواره (اسپرال) شهر شده است. بر این اساس الگوی رشد فشرده (عمودی) به عنوان الگوی توسعه آتی شهر با در نظر گرفتن رشد سایر کاربری‌ها با کاربری مسکونی و ایجاد مجتمع‌های مسکونی در نواحی کم تراکم‌تر را پیشنهاد داد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

نوع پژوهش حاضر از نظر ماهیت کاربردی و روش تحقیق آن توصیفی-تحلیلی می‌باشد. همچنین برای گردآوری دیدگاه‌ها، نظریات و تجربیات موجود از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. داده‌های بکار رفته شده در این پژوهش از بلوک‌های آماری سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران به دست آمده است. برای استخراج و طبقه‌بندی داده‌ها از نرم‌افزار GIS، برای تعیین فرم محلات شهر از شاخص تراکم جمعیت، تراکم مسکونی و تراکم ساختمانی و به منظور تحلیل فضایی تراکم‌ها از روش موران و لکه‌های داغ استفاده شده است. در آخر با بهره‌گیری از مدل‌های آنتروپی شانون و هلدن الگوی گسترش کالبدی شهر کیاکلا تعیین شد.

محدوده مورد مطالعه

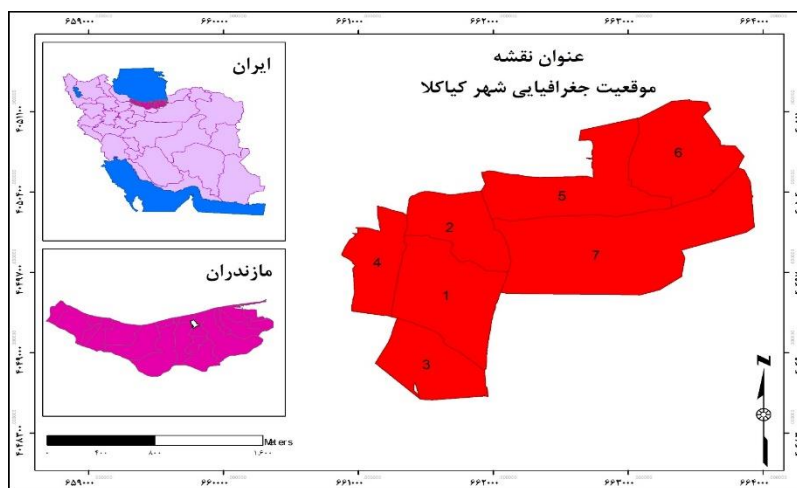
شهر کیاکلا در مختصات جغرافیایی ۵۲ درجه و ۵۵ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۹ دقیقه عرض شمالی و موقعیت جغرافیایی بین شهرهای بابل و قائم شهر و بابلسر و جویبار قرار دارد که طبق نقشه جویبار در قسمت شمالی و ساری در قسمت شرقی و بابل در قسمت غرب کیاکلا واقع است. فاصله شهر کیاکلا تا مرکز استان ۳۲ کیلومتر می‌باشد. فاصله کیاکلا تا قائم شهر ۱۴ کیلومتر و تا بابل ۱۶ کیلومتر می‌باشد (طرح جامع شهر کیاکلا ۱۳۹۰).

محلات شهر کیاکلا با توجه به موقعیت اقتصادی-اجتماعی شهر در هر دوره از گسترش شهر و وقایع تاریخی آن شکل گرفته اند، و تا حدودی توانستند سازمان اجتماعی خود را حفظ کرده و هنوز هم در سیمای ذهنی مردم از شهر نام محلات به مانند گذشته می‌باشد. شهر کیاکلا از هفت محله تشکیل می‌شود که این محلات عبارتند از: اولین و قدیمی ترین محله شهر که همان مرکز شهر کنونی می‌باشد که جدیدالاسلام نامیده می‌شود. پیدایش این محله به پیدایش هسته اولیه شهر باز می‌گردد. این محله شامل ساختمان‌های قدیمی چون مسجد جامع و حمام شهر می‌باشد. همچنین بازار شهر در این محله وجود دارد این محله هم اکنون علاوه بر ساختمان‌های مسکونی دربردارنده ساختمان‌های اداری و تجاری شهر می‌باشد. خیابان امام به عنوان اصلی ترین خیابان این محله می‌باشد که در عین حال مهمترین خیابان شهر از نظر عملکرد می‌باشد. ساختمان‌های تجاری این خیابان قدمتی تا صد سال دارند. بافت این محله ارگانیک و فشرده‌تر از سایر محلات می‌باشد. با توجه به مرکزیت خدمات و فعالیت‌های مورد نیاز شهر در این محدوده، این محله نه تنها برای ساکنین محل بلکه برای کل شهر و روستاهای تحت نفوذ کیاکلا ارائه خدمات می‌کند.

- دومین محله شکل گرفته در شهر کیاکلا محله تازه آباد در جنوب شهر و در حد فاصل میدان شهدا و گورستان شهدا می‌باشد. این محله که در دوران پهلوی اول شروع به شکل گیری نمود، الگوی بافت این قسمت نسبت به مرکز شهر پراکنده‌تر می‌باشد و اکثر مساکن به صورت خانه-باغ‌های وسیع می‌باشند. سومین محله، محله دستکنده کلا است که در ناحیه شمالی شهر واقع است در دوره پهلوی با احداث کارخانه پنبه پاک کنی شروع به شکل گیری نمود. این محله دارای بافتی ارگانیک است، که به دلیل قرارگیری کاربری‌های تجاری، خدماتی و اداری در بر خیابان امام، این قسمت فشرده‌تر از سایر بخش‌های محله می‌باشد. چهارمین محله، شهرک شهید بهشتی واقع در شرق شهر است، که دارای ساختمان‌های یکدست و جدید الحداث می‌باشد و با نظمی هندسی و شطرنجی شکل گرفته است. بنابراین از نظر فرم و نما از سایر قسمت‌های شهر متمایز است.

- پنجمین محله، سیدمحله است که همان روستای سیدمحله سابق می‌باشد، با بافتی کاملاً روستایی و ارگانیک در شرق شهر کیاکلا قرار دارد. ششمین محله، محله وازیمال است و در شرق سید محله قرار دارد، که دارای بافتی روستایی و قدیمی می‌باشد. هفتمین محله، محله سوخت آبدان واقع در

جنوب بلوار شهید ذبیحی می‌باشد که به مانند وازیمال و سید محله از سال ۱۳۸۵ به شهر کیاکلا اضافه شده است (طرح جامع شهر کیاکلا ۱۳۹۰).



شکل (۱): موقعیت شهر کیاکلا (منبع: نویسندگان)

۴- یافته‌های پژوهش و بحث

تحولات فضایی جمعیت شهر کیاکلا (۱۳۵۵-۱۳۹۰)

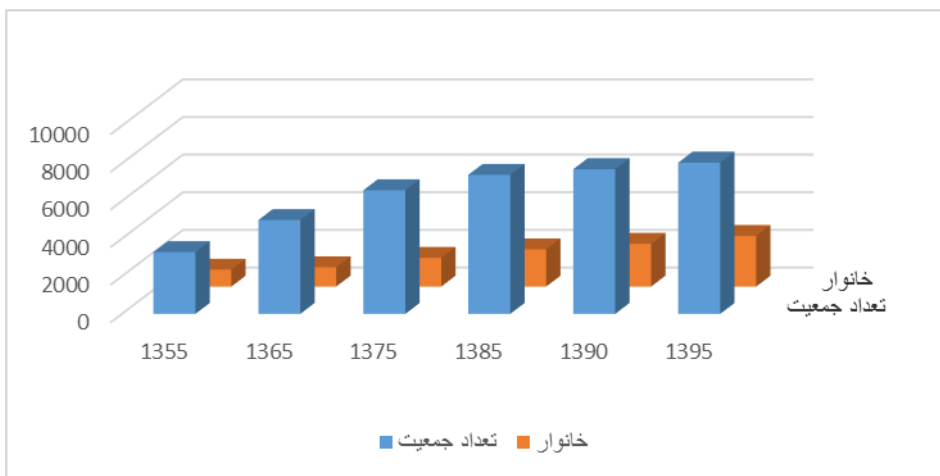
شهر کیاکلا بر اساس آمار سرشماری ۱۳۵۵ دارای ۳۲۸۲ نفر جمعیت بود که در قالب ۸۹۹ خانوار ساکن بوده‌اند. در سال ۱۳۶۵ حدود ۱۷۰۵ نفر به جمعیت شهر افزوده شد و جمعیت شهر به ۴۲۵۴ نفر رسید که مبین نرخ رشد قابل توجه ۴/۳ درصد در دوران تکوین خود می‌باشد. شمار جمعیت شهر کیاکلا در سال ۱۳۷۵ معادل ۶۵۷۲ نفر بود که نرخ رشدی معادل ۲/۸ درصد را بیان می‌دارد. بر اساس سرشماری ۱۳۸۵، جمعیت شهر کیاکلا ۷۳۹۰ نفر بوده که نرخ رشدی معادل ۱/۲ درصد را نشان می‌دهد. در آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ شهر کیاکلا دارای ۸۰۴۰ نفر جمعیت در قالب ۲۶۹۱ خانوار بود که نرخ رشد ۰/۱ درصد را نسبت به سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد. نرخ رشد جمعیت در طی ۳۵ سال حدود ۲/۵ درصد می‌باشد. جمعیت شهر کیاکلا طی دوران گذشته همواره از رشد بالایی مواجه بوده است اما از سال ۱۳۸۵ به بعد از روند افزایشی آن کاسته شد که علت این امر را می‌توان مهاجرت و تنظیم خانواده دانست.

جدول (۱): تعداد و تحولات جمعیت شهر کیاکلا طی سال‌های ۹۵-۱۳۵۵

سال	تعداد جمعیت	خانوار	نرخ رشد
۱۳۵۵	۳۲۸۲	۸۹۹	-
۱۳۶۵	۴۹۸۷	۱۰۲۴	۴/۳

۲/۸	۱۵۳۰	۶۵۷۲	۱۳۷۵
۱/۲	۱۹۸۲	۷۳۹۰	۱۳۸۵
۰/۸	۲۲۷۶	۷۶۹۱	۱۳۹۰
۰/۱	۲۶۹۱	۸۰۴۰	۱۳۹۵

مأخذ: آمار سرشماری نفوس و مسکن سال های ۹۵-۱۳۵۵ و محاسبات نگارندگان



شکل (۲): تعداد و تحولات جمعیت شهر کیاکلا طی سال های ۹۵-۱۳۵۵
مأخذ: آمار سرشماری نفوس و مسکن سال های ۹۵-۱۳۵۵ و محاسبات نگارندگان

تحولات فضایی جمعیت و مساحت محلات کیاکلا (۱۳۸۵-۱۳۹۵)

در سال ۱۳۹۵؛ محله سوخت آبندان با ۹۱/۹۸ هکتار و ۱۶۳۵ نفر جمعیت وسیع ترین محله به شمار می رفت. محلات جدیدالاسلام با ۴۹/۳۰ هکتار و ۱۶۲۵ نفر، سیدمحله با ۵۲/۸۲ هکتار و ۹۰۶ نفر، وازیمال با ۴۶/۹۴ هکتار و ۴۴۵ نفر، تازه آباد با ۳۰/۴۷ هکتار و ۷۰۹ نفر، دستکنده کلا با ۳۰/۲۱ هکتار و ۱۰۶۳ نفر و شهرک شهید بهشتی با ۲۰/۶۷ هکتار و ۱۳۷۳ نفر به ترتیب بعد از آن قرار دارند. در سال ۱۳۸۵؛ محله سوخت آبندان با ۳۰/۹۳ هکتار و ۸۱ نفر همچنین وسیع ترین محله شهر بوده است. محلات وازیمال با ۱۱/۹۹ هکتار و ۷۰ نفر، سیدمحله با ۱۱/۶۵ هکتار و ۹۰۶ نفر، جدیدالاسلام با ۱۱/۳۳ هکتار و ۹۷۶ نفر، تازه آباد با ۸/۶۵ هکتار و ۱۰۰۰ نفر، دستکنده کلا با ۸/۵۶ هکتار و ۹۸ نفر و شهرک شهید بهشتی با ۵/۳۹ هکتار و ۴۷۴ نفر به ترتیب بعد از آن قرار داشته اند.

جدول (۲): جمعیت و مساحت محلات کیاکلا (۱۳۸۵-۱۳۹۵)

محلات	مساحت ۱۳۹۵	مساحت ۱۳۸۵	جمعیت ۱۳۹۵	جمعیت ۱۳۸۵
جدیدالاسلام	۴۹/۳۰	۱۱/۳۳	۱۶۲۵	۹۷۶

۱۰۰۰	۷۰۹	۸/۶۵	۳۰/۴۷	تازه آباد
۹۸	۱۰۶۳	۸/۵۶	۳۰/۲۱	دستکنده کلا
۴۷۴	۱۳۷۳	۵/۳۹	۲۰/۶۷	شهرک شهید بهشتی
۴۱۴	۹۰۶	۱۱/۶۵	۵۲/۸۲	سیدمحل
۷۰	۴۴۵	۱۱/۹۹	۴۶/۹۴	وازیمال
۸۱	۱۶۳۵	۳۰/۹۳	۹۱/۹۸	سوخت آبندان

مأخذ: آمار سرشماری نفوس و مسکن سال های ۹۵-۱۳۸۵

سنجش کالبدی شهر کیاکلا

در این بخش به منظور ارزیابی و سنجش کالبدی شهر کیاکلا، چگونگی تغییرات ۱۰ ساله‌ی شاخص‌های مربوط در دوره‌ی ۱۳۹۵-۱۳۸۵ بررسی می‌شود.

تراکم

تراکم جمعیت

به طور کلی در تحلیل و بررسی ما پیرامون محله‌های شهر کیاکلا و با استفاده از نرم افزار GIS این نتیجه حاصل شد که پرتراکم‌ترین محله در سال ۱۳۹۵ محله شهرک شهید بهشتی با ۶۶ نفر در هکتار و کم تراکم‌ترین محله شهر محله وازیمال با کمتر از ۱۵ نفر در هکتار است. در سال ۱۳۸۵ محله تازه آباد با ۸۰ نفر در هکتار پرتراکم‌ترین محله و محله‌های وازیمال، سوخت آبندان و دستکنده کلا با کمتر از ۲۰ نفر در هکتار کم تراکم‌ترین محلات شهر را تشکیل می‌دادند.

تراکم مسکونی

در تحلیل و بررسی ما پیرامون محلات شهر کیاکلا و با استفاده از نرم افزار GIS این نتیجه حاصل شد که پرتراکم‌ترین محله در سال ۱۳۹۵ محله شهرک شهید بهشتی با ۲۰/۵۵ واحد مسکونی در هکتار و کم تراکم‌ترین محله، محله وازیمال با ۳/۱ واحد مسکونی در هکتار بوده است. همچنین در سال ۱۳۸۵ محله تازه آباد با ۲۹/۲۴ واحد مسکونی در هکتار پرتراکم‌ترین محله و محلات سوخت آبندان، وازیمال و دستکنده کلا به ترتیب با ۰/۵۸، ۱/۰۸ و ۳/۲۷ واحد مسکونی در هکتار کم‌ترین تراکم را دارا بوده اند.

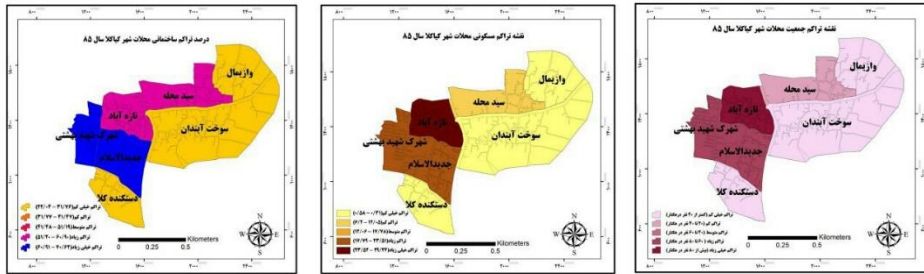
تراکم ساختمانی

در این پژوهش درصد تراکم ساختمانی مسکونی مورد بررسی قرار گرفته است. تراکم ساختمانی در سال ۱۳۹۵ در محله شهرک شهید بهشتی با ۶۰/۸۹ درصد بیشترین تراکم و در محلات دستکنده کلا و سوخت آبندان به ترتیب با ۱۷/۶۴ و ۲۵/۲۹ درصد کمترین تراکم را دارا بوده است. همچنین در سال ۱۳۸۵ محلات شهرک شهید بهشتی و محله جدیدالاسلام به ترتیب با ۷۰/۶۲ و ۶۹/۷ درصد

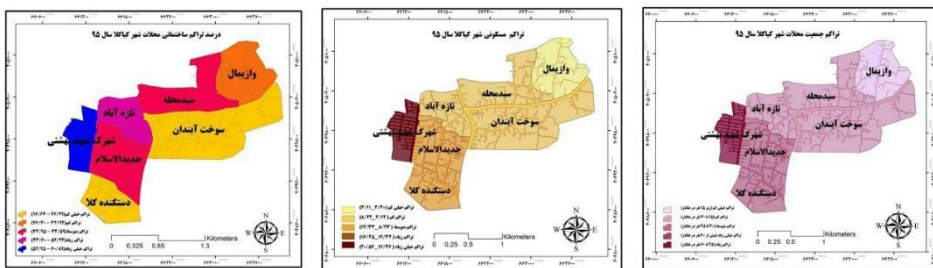
بیشترین تراکم ساختمانی و محلات وازیمال، سوخت آبندان و دستکنده کلا به ترتیب با ۲۲/۰۴، ۲۴/۲۹ و ۲۵/۴۵ درصد کم‌ترین تراکم ساختمانی را دارا بوده اند.

جدول (۳): توزیع تراکم در سطح محلات شهر کیاکلا

تراکم ساختمانی	تراکم مسکونی	تراکم مسکونی	تراکم جمعیت	تراکم جمعیت	محلات
۱۳۹۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵	
۳۹/۰۱	۶۹/۷	۱۰/۵۰	۲۲/۶۸	۳۲/۹۵	جدیدالاسلام
۴۵/۳۴	۵۳/۵۲	۷/۳۱	۲۹/۲۴	۲۳/۲۶	تازه آباد
۱۷/۶۴	۲۵/۴۵	۱۲/۰۴	۳/۲۷	۳۵/۱۸	دستکنده کلا
۶۰/۸۹	۷۰/۶۲	۲۰/۵۵	۲۱/۸۴	۶۶/۴۱	شهرک شهید بهشتی
۳۷/۲۵	۵۲/۸۵	۵/۴۱	۹/۴۴	۱۷/۱۴	سیدمحل
۳۱/۱۱	۲۲/۰۴	۳/۱۹	۱/۰۸	۹/۴۷	وازیمال
۲۵/۲۹	۲۴/۲۹	۵/۵۴	۰/۵۸	۱۷/۷۷	سوخت آبندان



شکل (۳): توزیع انواع تراکم در سطح محلات شهر کیاکلا سال ۱۳۸۵



شکل (۴): توزیع انواع تراکم در سطح محلات شهر کیاکلا سال ۱۳۹۵

شاخص موران**شاخص موران در تراکم جمعیت بلوک‌های شهر کیاکلا (۱۳۹۵)**

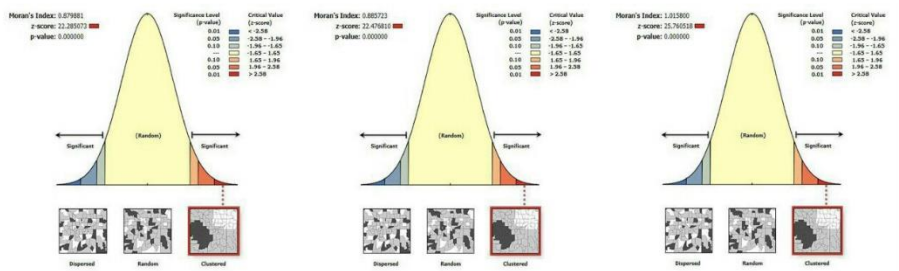
نتایج حاصل از کاربرد شاخص موران در تحلیل تراکم جمعیت بلوک‌های شهر کیاکلا در سال ۱۳۹۵ برابر با $\text{moran's index} = 1/01$ است. از آنجا که مقدار این شاخص مثبت و یک است می‌توان گفت داده‌ها خودهمبستگی فضایی دارند. همچنین آماره $z\text{-score} = 25/76$ محاسبه شده در سطح اطمینان $\text{sig L} = 0/00$ ، بزرگتر از مقدار مورد انتظار ($\text{EI} = 2/58$) است. در مجموع، براساس موران جهانی می‌توان استنباط کرد پدیده تراکم جمعیت در شهر کیاکلا در سال ۱۳۹۵ از الگوی خوشه‌ای تبعیت می‌کند؛ یعنی بلوک‌هایی که تراکم جمعیت بالا یا پایین دارند در مجاورت یکدیگر قرار دارند و همسایه هستند.

شاخص موران در تراکم مسکونی بلوک‌های شهر کیاکلا (۱۳۹۵)

نتایج حاصل از کاربرد شاخص موران در تحلیل تراکم مسکونی بلوک‌های شهر کیاکلا در سال ۱۳۹۵ برابر با $\text{moran's index} = 0/78$ است. از آنجا که مقدار این شاخص مثبت و نزدیک به یک است می‌توان گفت داده‌ها خودهمبستگی فضایی دارند. همچنین آماره $z\text{-score} = 22/28$ محاسبه شده در سطح اطمینان $\text{sig L} = 0/00$ ، بزرگتر از مقدار مورد انتظار ($\text{EI} = 2/58$) است. در مجموع، براساس موران جهانی می‌توان استنباط کرد پدیده تراکم مسکونی در شهر کیاکلا در سال ۱۳۹۵ از الگوی خوشه‌ای تبعیت می‌کند؛ یعنی بلوک‌هایی که تراکم مسکونی بالا یا پایین دارند در مجاورت یکدیگر قرار دارند و همسایه هستند.

شاخص موران در تراکم ساختمانی بلوک‌های شهر کیاکلا (۱۳۹۵)

نتایج حاصل از کاربرد شاخص موران در تحلیل تراکم ساختمانی بلوک‌های شهر کیاکلا در سال ۱۳۹۵ برابر با $\text{moran's index} = 0/88$ است. از آنجا که مقدار این شاخص مثبت و نزدیک به یک است می‌توان گفت داده‌ها خودهمبستگی فضایی دارند. همچنین آماره $z\text{-score} = 22/47$ محاسبه شده در سطح اطمینان $\text{sig L} = 0/00$ ، بزرگتر از مقدار مورد انتظار ($\text{EI} = 2/58$) است. در مجموع، براساس موران جهانی می‌توان استنباط کرد پدیده تراکم ساختمانی در شهر کیاکلا در سال ۱۳۹۵ از الگوی خوشه‌ای تبعیت می‌کند؛ یعنی بلوک‌هایی که تراکم ساختمانی بالا یا پایین دارند در مجاورت یکدیگر قرار دارند و همسایه هستند.



شکل (۵): نمودار موران انواع تراکم در سطح بلوک‌های شهر کیاکلا سال ۱۳۹۵

لکه های داغ

شاخص لکه داغ در تراکم جمعیت بلوک های شهر کیاکلا (۱۳۹۵)

در سال ۱۳۹۵ نواحی غربی شهر کیاکلا با اختصاص ۳۳ درصد از بلوک‌های شهر با سطح اطمینان ۹۹ درصد، دارای بیشترین خودهمبستگی فضایی مثبت در تراکم جمعیت بوده‌اند. نواحی جنوب غربی با اختصاص ۱/۹۴ و نواحی شمال غربی با اختصاص ۰/۹۷ درصد از بلوک‌های شهر به ترتیب با سطح اطمینان ۹۵ و ۹۰ درصد نیز دارای همبستگی فضایی مثبت بوده‌اند.

مقادیر با میزان تراکم پایین یا بلوک‌های دارای تراکم جمعیت کم، شامل قسمت‌های شرقی، شمال شرقی و مرکزی شهر می‌شدند. بلوک‌های شمال شرقی شهر با اختصاص ۱/۹۴ درصد از کل بلوک‌های شهر با سطح اطمینان ۹۹ درصد، بیشترین همبستگی فضایی منفی را داشته‌اند. بلوک‌های شرقی و مرکزی با اختصاص ۲۲/۳۳ درصد و بلوک‌های شمالی و شمال شرقی با اختصاص ۷/۷۶ درصد از کل بلوک‌های شهر، به ترتیب با سطح اطمینان ۹۵ و ۹۰ درصد، نیز بدون همبستگی فضایی در شهر وجود داشته‌اند.

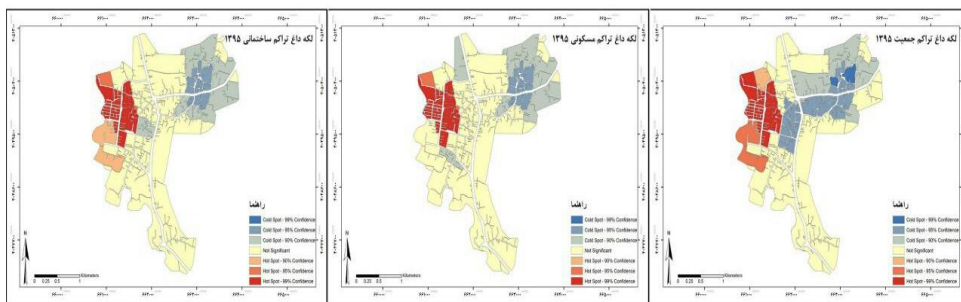
شاخص لکه داغ در تراکم مسکونی بلوک های شهر کیاکلا (۱۳۹۵)

در سال ۱۳۹۵ نواحی غربی شهر کیاکلا با اختصاص ۳۲/۰۳ درصد از بلوک‌های شهر با سطح اطمینان ۹۹ درصد، دارای بیشترین خودهمبستگی فضایی مثبت در تراکم مسکونی بوده‌اند. ناحیه شمال غربی با اختصاص ۱/۹۴ درصد از بلوک‌های شهر با سطح اطمینان ۹۵ درصد نیز دارای همبستگی فضایی مثبت بوده است.

مقادیر با میزان تراکم پایین یا بلوک‌های دارای تراکم مسکونی کم، شامل قسمت‌های شرقی، شمال شرقی و قسمتهایی از شمال و جنوب شهر می‌شدند. این بلوک‌ها با اختصاص ۱۲/۶۲ و ۸/۷۳ درصد از کل بلوک‌های شهر به ترتیب با سطح اطمینان ۹۵ و ۹۰ درصد، نیز بدون همبستگی فضایی در شهر وجود داشته‌اند.

شاخص لکه داغ در تراکم ساختمانی بلوک های شهر کیاکلا (۱۳۹۵)

در سال ۱۳۹۵ نواحی غربی شهر کیاکلا با اختصاص ۳۲/۰۳ درصد از بلوک های شهر با سطح اطمینان ۹۹ درصد، دارای بیشترین خودهمبستگی فضایی مثبت در تراکم ساختمانی بوده‌اند. ناحیه شمال غربی با اختصاص ۱/۹۴ و ناحیه جنوب غربی با اختصاص ۰/۹۷ درصد از بلوک های شهر به ترتیب با سطح اطمینان ۹۵ و ۹۰ درصد نیز دارای همبستگی فضایی مثبت بوده‌اند. مقادیر با میزان تراکم پایین یا بلوک های دارای تراکم ساختمانی کم، شامل قسمت های شرقی و شمال شرقی شهر می‌شدند. این بلوک ها با اختصاص ۱۲/۶۳ و ۸/۷۳ درصد از کل بلوک های شهر به ترتیب با سطح اطمینان ۹۵ و ۹۰ درصد، نیز بدون همبستگی فضایی در شهر وجود داشته‌اند.



شکل (۶): لکه های داغ انواع تراکم در سطح بلوک های شهر کیاکلا ۱۳۹۵

تعیین الگوی گسترش کالبدی فضایی محلات شهر

مدل آنتروپی شانون

مدل آنتروپس شانون برای تجزیه و تحلیل و تعیین مقدار پدیده رشد بی قواره شهری استفاده می شود.

$$H = - \sum_{i=1}^n p_i \times \ln(p_i)$$

در این رابطه H: مقدار آنتروپی شانون Pi: نسبت مساحت ساخته شده (تراکم کلی مسکونی) منطقه i به کل مساحت ساخته شده مجموعه مناطق می‌باشد. ارزش مقدار آنتروپی شانون از صفر تا Ln(n) می‌باشد. مقدار صفر بیانگر توسعه فیزیکی خیلی متراکم شهر است درحالیکه مقدار Ln(n) بیانگر گسترش فیزیکی پراکنده شهری است. زمانی که ارزش آنتروپی از مقدار Ln(n) بیشتر باشد رشد بی قواره شهری (اسپرال) اتفاق افتاده است (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵؛ ۱۲۹).

بررسی ها نشان می‌دهد مقدار آنتروپی برآورد شده در سال ۱۳۸۵، برابر با ۱/۷۲۹ محاسبه شده، درحالی که حداکثر ارزش Ln7=(1/791) بوده است که این امر نشان می‌دهد گسترش فیزیکی شهر در ده سال گذشته به صورت پراکنده و غیرمتراکم بوده است. همچنین مقدار آنتروپی شهر کیاکلا در

سال ۱۳۹۵ برابر با ۱/۶۳۶ بوده است، در حالیکه حداکثر ارزش $\ln 7 = (1/791)$ است. نزدیک بودن مقدار آنتروپی به مقدار حداکثر در سال ۱۳۹۵، نشانگر رشد پراکنده گسترش فیزیکی شهر است اما از آنجا که این مقدار از مقدار آنتروپی سال ۸۵ کمتر است می توان گفت، در سال های اخیر از میزان پراکندگی آن کاسته شده است.

جدول (۴) : محاسبه ارزش آنتروپی محلات ۷ گانه شهر کیاکلا در سال ۱۳۸۵

محله	مساحت (He)	Pi	Ln(Pi)	Pi*Ln(Pi)
جدیدالاسلام	۲۲/۶۸	۰/۲۵	-۱/۳۸	-۰/۳۴۵
تازه آباد	۲۹/۲۴	۰/۳۳	-۱/۱۰	-۰/۳۶۳
دستکنده کلا	۳/۲۷	۰/۰۳	-۳/۵۰	-۰/۱۰۵
شهرک شهید بهشتی	۲۱/۸۴	۰/۲۴	-۱/۴۲	-۰/۳۴۰
سیدمحله	۹/۴۴	۰/۱۰	-۲/۳۰	-۰/۲۳۰
وازیمال	۱/۰۸	۰/۰۱	-۴/۶۰	-۰/۰۴۶
سوخت آبدان	۰/۵۸	۰/۰۰۶	-۵/۱۱	-۰/۰۳۰
مجموع	۸۸/۱۳	۱	۱	-۱/۷۲۹

جدول (۵) : محاسبه ارزش آنتروپی محلات ۷ گانه شهر کیاکلا در سال ۱۳۹۵

محله	مساحت (He)	Pi	Ln(Pi)	Pi*Ln(Pi)
جدیدالاسلام	۱۰/۵۰	۰/۱۶	-۱/۸۳	-۰/۲۹۲
تازه آباد	۷/۳۱	۰/۱۱	-۲/۱۰	-۰/۲۴۲
دستکنده کلا	۱۲/۰۴	۰/۱۸	-۱/۷۱	-۰/۲۱۰
شهرک شهید بهشتی	۲۰/۵۵	۰/۳۱	-۱/۱۷	-۰/۳۶۲
سیدمحله	۵/۴۱	۰/۰۸	-۲/۵۲	-۰/۲۰۱
وازیمال	۳/۱۹	۰/۰۴	-۳/۲۱	-۰/۱۲۸
سوخت آبدان	۵/۵۴	۰/۰۸	-۲/۵۲	-۰/۲۰۱
مجموع	۶۴/۵۴	۱	۱	-۱/۶۳۶

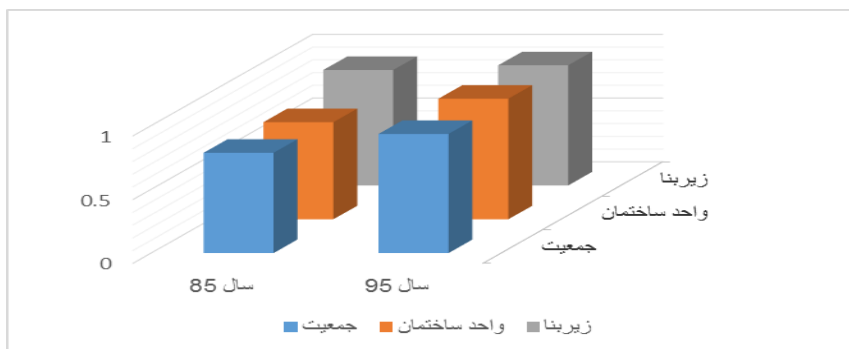
مقایسه ضریب آنتروپی

این شاخص بین صفر و یک محاسبه می شود و چگونگی توزیع پارامترها را در سطح منطقه یا شهر نشان می دهد. عدد آنتروپی هرچه به صفر نزدیک تر شود نشان دهنده توزیع ناعادلانه پارامتر و هرچه به ۱ نزدیک باشد توزیع عادلانه پارامتر را نشان می دهد (Tsai, 2005). ضریب آنتروپی برای سه پارامتر

جمعیت، واحد مسکونی و زیربنای ساختمان محاسبه شده است. ضرایب به دست آمده در سال ۸۵ به ترتیب برابر با ۰/۷۸۷ و ۰/۷۶۲ و ۰/۹۰۶ بوده است، چون اعداد از ۰/۵ بیشتر هستند ۱ توزیع متعادلی در آنها و به ویژه در زیربنای ساختمان مشاهده می‌شود. ضرایب آنتروپی در سال ۹۵ برای جمعیت، واحد مسکونی و زیربنا به ترتیب برابر با ۰/۹۳۵، ۰/۹۴۶ و ۰/۹۴۳ می‌باشد. ضرایب به دست آمده نه تنها نشان دهنده توزیع متعادل پارامترهاست. بلکه در مقایسه با سال ۸۵ بیانگر پراکنش بیشتر آنها در سطح محلات شهر می‌باشد، که به ویژه در دو پارامتر جمعیت و مسکن این کاهش تمرکز محسوس تر است.

جدول (۶): مقایسه ضریب آنتروپی جمعیت، واحد ساختمانی و زیربنا محلات کیاکلا در سال های ۸۵-۹۵

سال ۹۵	سال ۸۵	
۰/۹۳۵	۰/۷۸۷	جمعیت
۰/۹۴۶	۰/۷۶۲	واحد ساختمانی
۰/۹۴۳	۰/۹۰۶	زیربنا



شکل (۷): مقایسه ضریب آنتروپی جمعیت، واحد ساختمانی و زیربنا محلات کیاکلا در سال های ۸۵-۹۵

مدل هلدرن

یکی از روش‌های اساسی برای مشخص کردن رشد بدقواره شهری استفاده از مدل هلدرن است. با استفاده از این روش می‌توان مشخص کرد چه مقدار از رشد شهر ناشی از رشد جمعیت و چه مقدار ناشی از رشد بدقواره شهری بوده است (رفیعی، ۱۳۸۷؛ ۱۳۳).

$$\ln \frac{\text{سراخه ناخالص پایان دوره}}{\text{مساحت پایان دوره}} = \ln \frac{\text{جمعیت پایان دوره}}{\text{جمعیت ابتدا دوره}} + \ln \frac{\text{سراخه ناخالص ابتدا دوره}}{\text{مساحت ابتدا دوره}}$$

این مدل اولین بار توسط هلدرن در سال ۱۹۹۱ برای محاسبه نسبت جمعیت به هر منبع مورد استفاده دیگر به کار گرفته شد. مراحل معادلات این مدل به شرح زیر است (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۹۲؛ ۱۳۱).

نتایج نشان می‌دهد که در فاصله سالهای ۱۳۸۵ - ۱۳۹۵ حدود ۷۲ درصد از رشد فیزیکی مربوط به رشد جمعیت و ۲۸ درصد رشد شهر مربوط به رشد افقی و اسپرال شهر بوده است که به کاهش تراکم ناخالص جمعیت و افزایش سرانه ناخالص زمین شهری منجر گشته است.

براساس مدل هلدرن که در جست و جوی علل توسعه کالبدی-فضایی شهر می‌باشد؛ دو عامل افزایش جمعیت و گسترش لجام گسیخته در توسعه کالبدی-فضایی و شکل دادن به فرم شهر موثراند (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۰) که براساس داده های مستخرج از طرح تفصیلی و جامع شهر کیاکلا و نیز داده‌های مرکز آمار کشور، گسترش کالبدی شهر کیاکلا در این دوره صددرصد ناشی از رشد جمعیت بوده است و تصرف بی قاعده زمین نقشی در آن نداشته است که این امر با توجه به افزایش سریع جمعیت امری محتمل است. بنابراین براساس نتایج حاصل از تحلیل مدل هلدرن می‌توان گفت که اصلی‌ترین عامل ناپایداری الگوی گسترش کالبدی شهر کیاکلا در خلال سالهای ۱۳۸۵-۱۳۹۵ افزایش جمعیت بوده است.

$$\ln \frac{\text{سرانه ناخالص پایان دوره}}{\text{سرانه ناخالص ابتدا دوره}} = \ln \frac{\text{جمعیت پایان دوره}}{\text{جمعیت ابتدا دوره}} + \ln \frac{\text{مساحت پایان دوره}}{\text{مساحت ابتدا دوره}}$$

$$\ln \frac{322.427937}{88.527694} = \ln \frac{415.8}{284.4} + \ln \frac{7756}{3113}$$

$$\text{Ln}(1/46) + \text{Ln}(2/49) = \text{Ln}(3/64)$$

$$.0/37 + .0/91 = 1/29$$

$$.0/72 + .0/28 = 1$$

۵- نتیجه گیری

در گسترش کالبدی شهر عوامل مختلفی مؤثر است. شرایط متفاوت زمانی و مکانی شهرها موجب می‌شود که در اکثر موارد عوامل متنوع و متفاوتی در گسترش کالبدی هر شهری تأثیر گذار واقع شود. در ارتباط با تعیین فرم محلات شهر و با توجه به این مسئله که شناخت محله به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی در برنامه‌ریزی شهری، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ پژوهش حاضر بر مبنا محله بی‌ریزی شد. برای این منظور ابتدا، برای آگاهی از الگوی فضایی و فرم محلات شهر کیاکلا، سه شاخص تراکم جمعیت، تراکم مسکونی و ترکم ساختمانی را با روش خودهمبستگی فضایی مورد ارزیابی قرار داده و با استفاده از روش‌های موران جهانی الگوی فضایی محلات شهر کیاکلا تعیین گشت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد خودهمبستگی فضایی در شهر کیاکلا در هر سه شاخص تراکم، مثبت و نزدیک به یک است. بنابر این نتیجه؛ خودهمبستگی فضایی تراکم در شهر کیاکلا از الگوی خوشه ای بالا پیروی می‌کند.

از آنجا که این روش تنها نوع الگو را مشخص می‌کند، به منظور نشان دادن الگوی خودهمبستگی فضایی روش لکه‌های داغ بکار گرفته شده است. بکارگیری این روش به منظور مشخص کردن نواحی متراکم و غیرمتراکم شهر اینطور نشان داده که قسمت‌های غربی شهر کیاکلا دارای تراکم بالای جمعیت و ساختمان، در نتیجه شکل‌گیری خوشه‌های داغ فضایی در این نواحی است. از آنجا که محلات شهرک شهید بهشتی، دستکنده کلا و قسمت‌هایی از محلات جدیدالاسلام و تازه آباد در نواحی غربی شهر قرار گرفته‌اند می‌توان اظهار داشت محلات ذکر شده به علت تمرکز بالای جمعیت و ساختمان دارای فرم فشرده می‌باشند.

همچنین پهنه‌های شرقی شهر کیاکلا دارای تراکم کمتری از جمعیت و ساختمان و در نتیجه تشکیل خوشه‌های سرد فضایی می‌باشد. پهنه‌های شرقی شهر کیاکلا شامل محلات سیدمحل، وازیمال و سوخت‌آبدان می‌باشد. بنابراین می‌توان اظهار داشت، محلات ذکر شده به علت تمرکز پایین جمعیت و ساختمان و قرارگیری بی‌قواره از فرم شهری پراکنده برخوردارند.

با جمع بندی کل نتایج بدست آمده از مدل آنتروپی شانون که نشان می‌دهد شهر کیاکلا با حفظ الگوی توزیع نابرابر جمعیت و گسترش پراکنده و غیرمتراکم و مدل هلدرن که نشان می‌دهد ۷۲ درصد از رشد فیزیکی کالبدی شهر کیاکلا تحت تاثیر افزایش جمعیت بوده، می‌توان چنین گفت که الگوی گسترش و فرم فضایی-کالبدی شهر کیاکلا از فرم پراکنده پیروی کرده و میل به گسترش افقی در آن دیده می‌شود. این مسئله بیانگر رشد پراکنده (اسپرال) و گسترش فیزیکی است که این امر منجر به بدقواره شدن شهر و نابودی بخشی از اراضی مرغوب کشاورزی شده است.

به منظور گسترش متعادل توسعه کالبدی شهر کیاکلا راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

(۱) با توجه به گسترش افقی شهر در آینده و بروز مشکلاتی مانند کمبود زمین، تخریب محیط زیست و.... می‌توان با اعمال سیاست‌هایی از قبیل ساختمان سازی در ارتفاع از طریق افزایش تعداد طبقات و تراکم‌های ساختمانی، طراحی و مکان‌گیری ساختمان‌ها و.. از این دست مشکلات کاست. بدین منظور پیشنهاد می‌گردد الویت توسعه شهر به سمت شرق و محلات شهرک شهید بهشتی، دستکنده کلا، جدیدالاسلام و تازه آباد باشد.

(۲) کنترل بیشتر بر مرزهای شهر و جلوگیری از گسترش بیرونی شهر، تا آنجا که ممکن است رشد و توسعه فضایی آتی شهر در زمین‌های خالی و استفاده نشده موجود صورت پذیرد و بافت‌های خالی موجود پر گردد، تنها در صورت نیاز به گسترش بیرونی، باید کاربری و پوشش زمین‌های اطراف شهر مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد و تا حد امکان از گسترش شهر بر روی زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها خودداری شود. این بدان معناست که باید توجه داشت تا از روند رشد و توسعه فضایی شهر به سمت شرق و جنوب شهر که شامل محلات سیدمحل، وازیمال و سوخت‌آبدان می‌شود جلوگیری شود، چراکه بهترین زمین‌های کشاورزی و باغی در این جهات جغرافیایی قرار دارد. بدین منظور جلوگیری از تخریب و تغییر کاربری‌های کشاورزی و باغ‌ها امری ضروری است و باید بدان توجه گردد.

۳) با توجه به شکل شهر کیاکلا و تاکید اصولی بر حفاظت از منابع حیاتی بر ارزش‌های زیست محیطی، الگوی توسعه درونی (متمرکز و متراکم) که به عنوان شکل مناسب از سوی طرح جامع و تفصیلی مورد تاکید قرار گرفته است، پیشنهاد می‌شود.

۴) کنترل ساخت و ساز و جلوگیری از رشد پراکنده و گسترش افقی شهر، از بهترین روش‌های کنترل گسترش افقی شهر، توسعه عمودی و برج سازی می باشد. استفاده از سیاست‌های انبوه سازی و بلند مرتبه سازی باید با توجه به عوامل اجتماعی، اقتصادی، محیطی و فرهنگی محلات شهر کیاکلا صورت پذیرد.

۵) یکی از علل اصلی پراکنش افقی در شهر کیاکلا، عدم توجه و عدم برنامه‌ریزی برای چگونگی گسترش و توسعه شهر توسط سازمان های مربوطه و برنامه ریزان یا عدم اجرای طرح‌های مربوطه می باشد. بنابراین سازمان های شهری مانند شهرداری باید از رشد بدون برنامه و بدون جهت شهر که اغلب توسط سوداگران و بورس بازان زمین انجام می‌شود جلوگیری نمایند و کنترل و نظارت بیشتری بر محدوده های شهری داشته باشند.

منابع

۱. براندفری، هیلدر (۱۳۸۳) **طراحی شهری به سوی یک شکل پایدار شهری**. مترجم حسین بحرینی:، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهر تهران.
۲. حکمت نیا، حسن؛ موسوی، میرنجف (۱۳۹۲)، **کاربرد مدل در جغرافیا باتاکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای**، چاپ سوم، انتشارات آزادپیما.
۳. رحمانی، امیر، رحمانی، محمد، (۱۳۹۵)، **الگوی گسترش کالبدی-فضایی شهر با استفاده از مدل آنروپی شانون (نمونه موردی: شهر سریش آباد)**، **فصلنامه آمایش محیط**، دوره ۱۱، شماره ۴۱ صفحات: ۱-۲۲.
۴. رهنما، محمدرحیم، عباس زاده، غلامرضا، (۱۳۸۷)، **اصول، مبانی و مدل های سنجش فرم کالبدی شهر**، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ اول
۵. سیف الدینی، فرانک، زیاری، کرامت الله، پوراحمد، احمد، نیک پور، عامر، (۱۳۹۱)، **تبیین پراکنش و فرم شهری در آمل با رویکرد فرم شهری پایدار، پژوهش های جغرافیای انسانی**، شماره ۸۰، صفحات: ۱۵۵-۱۷۶.
۶. طرح جامع شهر کیاکلا (۱۳۹۰) اداره مسکن و شهرسازی استان مازندران.
۷. مرکز آمار ایران، (، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵)، **نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن**.
8. Al-Ahmadi, K., See, L., Heppenstall, A., & Hogg, J. (2009) "Calibration of a fuzzy automata model of urban dynamics in Saudi Arabia", **Ecological Complexity**, 6 (2): 80-101.
9. Burton, E. (2002) Measuring urban compact city: just or just compact? **A preliminary Analysis**, 37 (11):1969-2007.
10. Brandful, C. & Nsomah, A. (2017) A ghanain twist urban spral. **Landuse Policy**, 61: 231-241.
11. Dempsey, N., Brown, C. & Bramely, G. (2012) The key to sustainable urban development in UK cities? The influens of density on social sustainability, **Progress in Planning**, 77: 141-89.
12. Ewing ,R (1997) Is los Angeles-style spral desirable? **Journal of American planning**, 63: 27-101.
13. Ewing, R. & Hamidi, S. (2014) **Measuring sprawl and its impact**, smart growth America, Washington D.C
14. Herspetger, A. M., Oliveira, E., Pagliarin, S., Palka, G., Verburg, P., Bolliger, J., & Gradinaru, S. (2018) Urban land-use change: The role of strategic spatial planning, **Global Environmental Change**, 15: 32-42.
15. Hasek, L. (2004) City dynamic grows and landuse propect, **Development Procedia**, 41: 11-28.
16. Hess, G. R; Daley, S.S; Dennison, B.K; Lubkin, S. R; Moguin, R. P; Morin, V. Z; Potter, K; Savage, R; Shelton, W. G; Snow, C. M & Wrege, B. (2001) Just what is sprawl, anyway, **Carolina Planning Journal**, 26 (2): 11-26.

17. Huang, J., Lu, XX., & Sellers, J. M. (2007) A global comparative analysis of urban form: applying spatial metrics and remote sensing. **Landscape & Urban Planning**, 82 (4):184-197.
18. Huang, H., Wu, X. & Cheng, X. (2020) The Analysis of the Urban Sprawl Measurement System of the Yangtze River Economic Belt, Based on Deep Learning and Neural Network Algorithm, **Int. J. Environ. Res. Public Health**, 17: 1-13.
19. Xi Jun Yu & Cho Nam Ng (2007) "Spatial and temporal dynamics of urban sprawl along two urban – rural transects: A case study of Guangzhou, China". **Journal of Landscape and Urban Planning**, 79: 96–109.
20. Larsen, L., & Vitail, F, (2009) **Urban development and great challenge for urbaner: a view of theoretical research**, urban economi confrance, melborn, Australia.
21. Litman, T. (2014) **Where we want to be: home location preferences and their implications for smart growth**, Victoria Transport Policy institute.
22. Mofidi-Shemirani & Moztarzadeh, H. (2013) Formation of Sustainable Urban Development Paradigm, **Journal of American Science** 2013;9(x): 1-13
23. Noor, N. M & Asmawi, M. Z & Rusni N. A, (2013) Measuring urban sprawl on geospatial indices characterized by leapfrog development using remote sensing and GIS techniques, **8th International Symposium of the Digital Earth (isde8)**, Kuching, Sarawak, Malaysia, pp 26-29
24. Qadeer, M.A., (2004) "Urbanization by implosion". Guest Editorial/**Habitat International** 28: 1-12.
25. Rafiee, R., Salman Mahiny, A., Khorasani, N., Darvishsefat, A. A., & Danekar, A. (2009) "Simulating urban growth in Mashhad City, Iran through the SLEUTH model (UGM)", **Cities**, 26: 19–26.
26. Tsai, Y.H, (2005) Quantifying urban form: compactness, versus sprawl, **Urban Studies**, 42: 141-161.
27. Wassmer, R.W. (2000) Urban sprawl in a U.S. metropolitan area: ways to measure and a comparison of the sacramento area to similar metropolitan areas in California and the U.S. **Working paper**. Accessed in 7/20/2017.
28. Xu, C., Liu., M., An, S, Chen, J.M., & Yan. P (2007) "Assessing the impact of urbanization on regional net primary productivity in Jiangyin County, China, **Journal of Environmental Management** 85(3):597-606.
29. Zhang, T, (2000) land market parces and governments role in spral, **Cities**, 17:123-135.
30. United Nation (2018) **Revision of World Urbanization Prospects**. Published by the Population Division of the United Nations Department of Economic and Social Affairs (UN DESA).